

مقاله رسیده

به مناسبت سالگرد خونین فاجعه ملی

در نخستین روزهای شهریور ۱۳۶۷، زندانیان گوهردشت و دیگر زندان ها، دسته دسته، بی آنکه به آنها اجازه داده شود حتی لباس مناسبی بپوشند، از سلول های بندها به دفتر زندان احضار شدند. اکثر این زندانیان ماهها و شاید سال ها بازجویی شده بودند و حکم گرفته بودند.

ماجرای فاجعه خونین ملی این چنین آغاز می شود که رهبران مرتجع جمهوری اسلامی که پیروزی خون آلود خرمشهر را در پی سیاست های عمیقا ارتجاعی و ضد ملی خود به شکست و تسلیم خفت بار تبدیل کرده بودند، برای گرفتن زهر چشم از توده های معترض و خشمگین به سراغ سمبل ها و نشانه های طیف های گوناگون اعتراض اجتماعی-سیاسی که در زندان ها به سر می بردند، رفتند. سوالاتی که به ناگهان و بی مقدمه هیات سه نفره ماموران رژیم «ولایت فقیه» در مقابل زندانی طرح می کردند و جواب آری یا نه می خواستند عمدتا به خواندن یا نخواندن نماز و اعتقاد داشتن یا نداشتن به اسلام مربوط می شد.

برای یک ناظر بیگانه به اوضاع چنین به نظر می آمد که اینان، این زندانیان سیاسی از طیف های گوناگون چپ و راست و مذهبی به سبب مبارزه با نماز و اسلام بوده است که زندان می کشند. در پس این ظاهر، گردانندگان رژیم و دستگاه امنیتی اش در تدارک عوام فریبی و جنایتی تازه بودند. با طرح سؤال نماز می خوانی؟ معتقد به اسلام هستی؟ قصد داشتند محتوای سیاسی-اجتماعی زندانیان و حضور آنان را در سیاهچال های خود بی اهمیت و نازل جلوه دهد، با لباس ظاهرا مذهبی به قضیه پوشاندن خاک به چشم توده ها بپاشند (به زعم خود) زندانیان را در برابر مردم قرار دهند، دیگر اینکه گریبان رژیم را از چنگ انسان هایی صاحب نظر و فعال و حاضر در صحنه سیاست و اجتماع برهاند و خود را از شرمناحمتی که باورهای روشن منطقی، انسانی و مردمی آنها کهنه پرستی، اوهام و واپسگرایی و مردم ستیزی را به مبارزه می طلبد، نجات دهند.

تعدادی از این زندانیان مدت کوتاهی پس از انقلاب یا دو سه سال دیرتر در هجوم ها و یورش

ادامه در ص ۳

● در این شماره

- اعتراض به جامعه تک صدایی در ص ۲
- وزارت خانه عجیب و غریب در ص ۲
- مانور نظامی ترکیه و اسرائیل در ص ۲
- نامه محمود دولت آبادی به خاتمی در ص ۳
- حل مشکل مسکن خواست مبرم در ص ۴
- همبستگی احزاب کارگری و کمونیستی با زندانیان سیاسی در ص ۵
- غرفه «نامه مردم» در جشن «عصر ما» در ص ۵
- بحران الجزایر در ص ۷
- سندیکاها علیه «جهانی شدن» در ص ۸

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۱۴، دوره هشتم
سال چهاردهم، ۱۸ شهریور ۱۳۷۶

استبداد مطلق «ولایت فقیه» سد اساسی حرکت به سمت آزادی، مدنیت و حکومت قانون

● **کیهان:** نبوی معتقد است قوه قضائیه و قوه مقننه در اختیار رئیس جمهور نیست و فرماندهی نیروهای مسلح در اختیار رهبری انقلاب است، با این ساختار نمی توان از رئیس جمهور انتظار کار چندان داشت.
● **رسالت:** ما نمی دانیم چه اتفاقی افتاده است که کسی جرئت می کند یک چنین دروغ بزرگ تاریخی بگوید هرکس هرچه می خواهد بگوید و هیچ کس هم صدایش در نیاید، این حرفها با کدام ملاک و معیار می خوانند.
● **بحث اساسی حزب توده ایران:** نیز در سال های اخیر که در شعار «طرد رژیم ولایت فقیه» تبلور یافته است بر پایه چنین درکی استوار است که «ولایت فقیه» به مثابه پایه اساسی حاکمیت جمهوری اسلامی مهمترین سد راه هرگونه حرکت پایدار به سمت تحولات عمیق و دموکراتیک مورد نیاز و خواست توده های وسیع مردم است.

خرداد شد. اگر چنین توقعات و انتظاراتی نبود و از سوی دیگر مجرای برای برآورده شدن این توقعات در برابر مردم قرار نمی گرفت، حادثه دوم خرداد به وجود نمی آمد. به همین خاطر آقای خاتمی با حجم متراکمی از توقعات و مطالبات اجابت نشده و بر زمین مانده مواجه است...»
معاون سیاسی تحقیقات استراتژیک سپس در اعتراف جالبی به درستی تحلیل های نیروهای مترقی از جمله حزب توده ایران نسبت به انتخابات می گوید: «البته این ۲۰ میلیون نفر از جهت سلبی یک «نه» بزرگ به رقبای آقای خاتمی گفته اند و میلیونها بار «نه» گفته اند اما اینکه به چه چیزی «آری» گفته اند در ذهن هر کدام از این ها متفاوت است... به یک تعبیر، عده ای گفته اند که انتخابات دوم خرداد مثل اصل انقلاب اسلامی یک ویژگی عموم خلقی و مردم گرایانه داشته است و این احتمال همیشه وجود دارد که در تحولاتی که

ادامه در ص ۶

زلزله عظیم رای کوبنده توده های میلیونی علیه استبداد، ظلم و جور رژیم «ولایت فقیه» در جریان انتخابات ریاست جمهوری همچنان همه ارکان رژیم را می لرزاند و نگرانی های عمیقی را پیرامون سرنوشت «نظام» در مجموعه حاکمیت برانگیخته است. با روی کار آمدن دولت جدید و انتظار توده ها مبنی بر عملی شدن قول های انتخاباتی «تحقق جامعه مدنی، حاکمیت قانون و عدالت اجتماعی» معضلات عملی به اجرا درآوردن حتی بخش های کوچکی از این برنامه ها روز به روز روشن تر می شود.
روزنامه سلام در گفتگویی مفصل و جالب با مهندس سعید جباریان، معاون سیاسی مرکز تحقیقات استراتژیک، که یکی از مراکز عمده تحقیقاتی رژیم پیرامون تحولات سیاسی-اجتماعی کشور است از قول او می نویسد: «نتایج انتخابات نشان داد که ما یک دورانی از توقعات فزاینده و انتظارات ناکام به صورت روی هم انباشته داشته ایم که منجر به حادثه دوم

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

رویدادهای ایران



خاتمی: سیاست های کلی نظام توسط رهبر انقلاب تعیین می شود

دکتر خاتمی در سخنانی که در نخستین نشست شورای عالی انقلاب فرهنگی پس از شروع کار دولت جدید ایراد کرد، گفت: «مهمترین وظیفه شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین سیاست های فرهنگی، علمی و آموزشی و پژوهشی کشور و عرضه آن به رهبر انقلاب است...» وی در همین نشست شورا که روز سه شنبه ۱۱ شهریور ماه برگزار شد اضافه کرد: «طبق قانون اساسی، سیاست های کلی نظام توسط رهبر انقلاب تعیین می شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان یک بازو باید راهبردها را تعیین کند... شورا باید مطمئن شود ارزیابی اولیه طرح های در دست بررسی به طور دقیق صورت گرفته است تا بتواند با توجه به اشرافی که به مسایل عام کشور و آگاهی که به مبانی اصلی اسلام و نظر رهبر انقلاب دارد، اولویت ها را تشخیص دهد و تصمیم گیری کند.»

اعتراض به «جامعه تک صدایی»

روزنامه رسالت در سرمقاله شماره ۱۱ شهریور خود زیر عنوان «جامعه تک صدایی» در اعتراض به این مسأله نوشت: «این روزها در برخی جراید راجع به ولایت، روحانیت و مرجعیت مطالب جدید و جالبی چاپ می شود! خود یکی از دستاوردهای جامعه مدنی (مطبوعات، احزاب و...) همین است که هرکس هرچه دلش خواست بگوید و هیچ کس هم صدایش در نیاید، که این حرفها با کدام ملاک و معیار می خواند؟! مثلاً روزنامه ایران، امروز مقاله چاپ کرده که در آن آمده است: «... تئوری ولایت فقیه یکی از فروع فقه است که معمولاً توسط فقها ذیل سرفصل ولایت صغار و محجوران به بحث گذاشته می شود و نوادری مانند مرحوم امام یا ملا احمد نراقی از قائلین به بنط ید فقها در امر حکومتی بوده اند و اکثریت مطلق فقها و مراجع تقلید دو قرن گذشته به چنین فتوایی قائل نیستند...». رسالت پس از نقل قول از نوشته های خمینی و دروغ و جعل دانستن چنین ادعاهایی در ادامه می نویسد: «مقاله چاپ شده در روزنامه ایران اشعار می دارد: "در خصوص منصب مرجعیت تقلید در شیعه نیز بازم باید متذکر شد که این امر موضوع جدیدی است که بسختی بیش از یک قرن و نیم سابقه دارد و قبل از آن چنین رابطه

ای بین شیعیان و روحانیون برقرار نبوده است...» ما نمی دانیم چه اتفاقی افتاده است که کسی جرئت می کند یک چنین دروغ بزرگ تاریخی را بگوید...»

روزنامه رسالت در ادامه همین سرمقاله به مصاحبه بهزاد نبوی با روزنامه سلام و این گفته او که رئیس جمهور باید بتواند قدرت های دیگر نظام را در جهت تحقق شعارهای خود هماهنگ کند می پردازد و می نویسد: «حال باید ببینیم واقعا قدرتهای دیگر نظام باید با رئیس جمهور هماهنگ شوند، یا رئیس جمهور باید در اندازه اختیارات قانونی خود با دیگر قوا به ویژه ولی فقیه هماهنگ شود. حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه و به تعبیر دیگر هماهنگ کردن آنان از وظایف اصلی و کلیدی رهبری است. همچنین تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی از بدهی ترین وظایف رهبری است...»

محکومیت جمهوری اسلامی و تأسف وزارت امور خارجه

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۱۲ شهریور ماه نسبت به گزارش سازمان عفو بین الملل که در آن ایران را به دلیل ادامه زیر پا گذاشتن حقوق بشر محکوم کرده بود، ابراز تأسف کرد. محمد محمدی، سخنگوی وزارت امور خارجه در این باره از جمله گفت: «عفو بین الملل به جای قدردانی از جمهوری اسلامی ایران و تشویق سازمان های بین المللی به ارسال کمک برای جامعه بزرگ پناهندگان مقیم ایران، نسبت به وضعیت حقوق بشر در ایران غیر منصفانه برخورد کرده است...» محمدی در همین سخنان افزود که سازمان عفو بین الملل همچون سابق اتهام های بی اساسی را به جمهوری اسلامی وارد ساخته است.

وزارتخانه عجیب و غریب

بر اساس گزارش روزنامه سلام در جریان مراسم معارفه دکتر مهاجرانی در وزارت ارشاد، دکتر سید جعفر شهیدی، استاد زبان و ادب فارسی در ضمن سخنرانی خود از جمله گفت: «همیشه نصیب من از وزارت ارشاد دعای سفر خواندن است. در مراسم تودیع وزرای قبلی هم بودم و اکنون نیز در مراسم تودیع مهندس میر سلیم هستم... وزارت ارشاد وزارتخانه عجیب و غریبی است که با دسته های مختلف و افراد گوناگون سروکار دارد... عرفاً می گویند مخلوقات مظهر اسماء الهی هستند که باید این را اینگونه تعبیر کنیم که آقای میر سلیم مظهر اسم «یا قهار» هستند و آقای مهاجرانی مظهر اسم «بارئوف»... من به آقای مهاجرانی گفتم سرکار معلمی بایست و سمت اجرایی را قبول نکن! آقای مهاجرانی یک روزی به من گفت: فلانی چقدر آدم خوبی است و در امور دخالت نمی کند! حالا من به آقای مهاجرانی می گویم برای شما که ملاک خوب بودن دخالت نکردن در امور است پس چطور می خواهی این وزارتخانه را که هر طرفش به جایی می رود را اداره کنی...؟!» بر اساس گزارش روزنامه سلام پس از این سخنان عده ای از حضرات صلوات فرستادند و عده ای دست زدند و دکتر شهیدی دوباره به جایگاه رفت

و گفت: «یکی از ضوابطی که باید مشخص شود همین است که آیا بعد از سخنرانی باید دست زد یا صلوات فرستاد. (خنده حضار)...»

عبدالله نوری به سمت رییس شورای امنیت کشور منصوب شد

بر اساس حکمی از سوی خاتمی عبدالله نوری، روز سه شنبه ۱۱ شهریور به سمت رییس شورای امنیت کشور که یکی از حساس ترین مراکز تصمیم گیری پیرامون مسایل امنیتی در جنب شورای عالی امنیت ملی است منصوب کرد. خاتمی در این حکم ضمن اعطای اختیارات تام به نوری یادآور شد: «در اجرای اصل ۱۷۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور تسهیل امور جاری شورای امنیت کشور و یوایی فعالیت های آن، شما را به عنوان رییس شورای امنیت کشور با کلیه اختیارات تام بر می گزینم. مطمئن هستم که شورای امنیت کشور با ریاست شما بازوی کار آمدی برای شورای عالی امنیت خواهد بود...»

رشد بیکاری در صنایع فرش کشور

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی احمد اکبری مسؤول صنایع روستایی جهاد سازندگی شهرستان شاهرود روز دهم شهریور ماه در ضمن مصاحبه ای اعلام کرد که در سال ۱۳۷۴ سه هزار کارگاه قالببافی در این شهرستان فعال بود ولی اکنون تعداد این کارگاه ها به هزار واحد کاهش یافته است. بر اساس همین گفته ها میزان تولید فرش نیز نسبت به دو سال گذشته کاهش چشمگیری یافته و به حدود یک پنجم رسیده است. نکته مهم تر در این مصاحبه اکبری اعتراف به این حقیقت است که: «رکود بازار فرش همچنین دستمزد بافندگان را ۳۰ تا ۴۰ درصد و درآمد صاحبان کارگاه ها را ۷۰ درصد کاهش داده است» بر اساس گفته اکبری «تعدد و بی برنامهگی نهاد های مرتبط با فرش سبب ایجاد آشفتگی در وضعیت این صنعت» شده است.

نهمین نظامی ترکیه و اسرائیل اقدامی تهدید آمیز

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، روز چهارشنبه ۱۲ شهریور ماه نهمین نظامی ترکیه و اسرائیل در شرق مدیترانه را اقدامی تهدید آمیز علیه اعراب و کل منطقه تلقی کرد. محمدی سخنگوی وزارت امور خارجه ضمن انتقاد از مواضع دولت ترکیه در این باره گفت: «این گونه همکاری ها با رژیم صهیونیستی به بحران امنیت در منطقه دامن می زند و ترکیه را رویاروی جهان اسلام قرار می دهد. این همکاری ها از نظر جمهوری اسلامی مردود است، زیرا ایران، ترکیه را عضو جامعه اسلامی می داند و انتظار ندارند چنین کشوری در جهت تقویت مواضع رژیم صهیونیستی و علیه منافع مسلمانان در منطقه حرکت کند. نامبرده همچنین افزود که جمهوری اسلامی نگرانی عمیق خود را از گسترش نفوذ رژیم صهیونیستی به خاک همسایگان خود بارها اعلام کرده است و مسلماً نمی تواند در برابر این تحولات بی تفاوت بماند.

ادامه اخبار ایران

نامه محمود دولت آبادی به خاتمی

بر اساس گزارش روزنامه اخبار (سه شنبه ۱۱ شهریور) محمود دولت آبادی نویسنده نامدار ایرانی و خالق «کلیدر» نامه ای به سید محمد خاتمی رییس جمهور نوشته و ضمن تبریک انتخاب خاتمی آرزو کرده است که در راه تامین خواست و نیازهای بجای مردم موفق شود. در بخش هایی از این نامه از جمله آمده است: «... اکنون و نیز در ایام حضور جناب عالی در عرصه های رفتار و گفتارهای سیاسی، خاکسار این قلم بیش از هر دوره ای امیدوار به تعیین صلح آمیز سرنوشت مردم و سرزمینی بوده که بس به آن و بدان بسته است. پس لحظه به لحظه مجذوب این پیوند منطقی و دلخواه می بوده که بین گزین کنندگان و گزین شونده اش دارد رقم می خورد، که رقم خورده است. این اتفاق ساده ای نبوده است و شما نیک واقفید که پدیداری چنین احساس و ادراکی، چه مسئولیت سنگینی را متوجه وجدان مدیر امور اجرایی ملتی می کند که بعد از قریب قرنی تاریخ مثله شده دوران معاصر، یک بار بدون پرده پوشی، بدون زبان جویدن و کج و معج کردن واژگان و عبارات اصول خواسته شده مردم ایران در طول دهه را روشن و آشکارا تبیین می کند: قانون و قانون، جامعه مدنی و قانون، ضرورت آزادی و ضرورت فرهنگ در جامعه مدنی، حقوق زن، تشخیص جوانان، حقوق فردی و اجتماعی انسان! ... برخی گفته اند و شنیده ام که سیاستمدار می بایست آب زیر کاه و چنین و چنان باشد. من پاسخ داده ام «نه الزاما» و دانسته ام چنین کسان حسب تجریبات قرنهای تاریخی خود سخن می پردازند که «سیاست بر مردم» جز با شیوه -شگردهای ماکیاولی ممکن نتواند بود. ایشان یک نکته را نادیده می انگارند و آن اینکه دکتر خاتمی قدرت را غصب نکرده است تا لازم باشد آن را با روش های ماکیاولی برای خود حفظ و بر مردم اعمال کند! بلکه قدرت به شهادت واقع بر وجدان دکتر خاتمی تحمیل شده است: هم از این رو منطقاً باید در نخستین مجال و بسنجیدگی دقیق در اندیشه توزیع و ساختار قانونمند آن باشد. دیگر اینکه برخی در این گمانند و گویند: خاتمی خوشیاری (شانس) ارباب ذوق و قلم و فرهنگ است. اما من عقیده جز این دارم. بل چنین می اندیشیده ام و می اندیشم نیز که «حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی» در نخستین و پسین گام ها نیز شانس جمهوری اسلامی ایران است به جهت قرار و استمرار در لزوم مدارای حکومت با مردم همچمون ما به ازای مدارای مردمان با حکومت در قریب دوده ای که گذشت و هیچ آسان نبود. و این سیاست مدارا حقیقتی است که حس می شود... و اگر برخی نمی خواهند یا نخواسته اند با رغبت این روشی را ببینند به گمان مشکل از کدورت آفتاب نیست، چرا که اینهمه طرح و انگاره های خوشایند هم که دکتر خاتمی در افکنده است از برکت وفاق مردم، نخست برای جمهوری اسلامی به سود خواهد بود...»

ادامه مقاله فاجعه ملی ...

های متعدد به زندان افتاده بودند و از قتل عام های جنایت باری که هر از گاهی در زندان های رژیم بر پا شده بود جان بدر برده بودند، طول زندانشان به عمر رژیم می رسید و این خود به خود، صرف نظر از کیفیت زندان کشیدن آنان، به ماده افشاگری در نفی رژیم مبدل می گردید، چرا که گردانندگان رژیم به خوبی می دانستند در مبارزه علیه رژیم شاه وجود زندانیان سیاسی که مدت های طولانی در زندان گذرانده بودند، به ویژه آنان که با پایداری بر عقیده خود و ابراز شخصیت مردمی و انسان دوستانه خود شهره بودند، نزد مردم میهن ما چه اندازه گرامی هستند و جاذبه ای حماسی دارند. با توجه به حس قدرتمند مردم ایران در مورد مبارزه با ستم و زور زندانیانی از اینگونه می توانستند منبع عظیمی از الهام به مبارزه در راه آزادی و عدالت باشند.

با پایان یافتن جنگ - که در زیر دود و آتش و سیلاب خون و انواع معضلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پنهان می ماند - توده ها نگاهی دوباره به وضع موجود می افکندند و از آنچه می دیدند بی شک نمی توانستند خشنود باشند، بدین سان گردانندگان رژیم به فکر تدابیر گوناگون افتادند. از جمله آن تدابیر، نابودی و قتل عام زندانیان سیاسی بود که حضورشان در زندان از آنان حماسه می ساخت و رهایی آنان نیز میسای بود با هزاران دهان گویای رنج های ناروا و شکنجه های غیر انسانی.

حکومت های استبدادی در اعمال خود برای چند صباحی بیشتر بر سریر قدرت ماندن تدابیری می اندیشند که بیشتر اوقات به سختی وبال گردشان می شود. شواهد تاریخی بسیاری در تاریخ میهن ما و جهان در این زمینه وجود دارد، چرا که سیر واقعیت در ژرفای زندگی می تواند در لحظات و مقاطعی خدشه پذیرد، اما تمامیت آن همواره خدشه ناپذیر می ماند. از این گذشته واقعیت، عامل چشم و گوش بسته مستبدان حاکم نیست، بلکه جریان نیرومند و پردامنه ای است در مسیر عدل گستری.

فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به راستی فاجعه ای بود تماماً

ملی. هزاران انسان حاضر در صحنه زندگی اجتماعی و سیاسی مردم، به همین جرم حضور، جانشان با شرارت ستانده شد. حکومت حاکمان شرع، زندانیانی را به قتل رساند که از به اصطلاح دادگاه عدل شرع حکم زندان گرفته بودند و بسیاری از این فرزندان گرامی مردم، دوران زندانشان را نیز طی کرده و حتی چند سالی نیز «ملی کشی» کرده بودند.

فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی ایران، به لحاظ ابعاد گسترده ضد انسانی و ضد ملیش حادثه ای نیست که بتوان آن را به فراموشی سپرد و یا بهر دلیل و بهانه ای درباره آن سکوت کرد.

درد به زندانیان زجر کشیده حکومت اختناق و قربانیان بر افتخار فاجعه ملی

غرفه حزب توده ایران در جشنواره کمونیست های دانمارک



در روزهای ۲۳ و ۲۴ اوت امسال جشنواره کمونیست های دانمارک پس از یک وقفه ۶ ساله بار دیگر برگزار شد. حزب توده ایران از جمله احزاب برادر شرکت کننده در این جشنواره بود. غرفه حزب توده ایران با استقبال گرم شرکت کنندگان در جشنواره روبرو شد. عمده ترین فعالیت رفقای حزبی در این جشنواره جلب همبستگی بین المللی با مبارزات قهرمانانه مردم ایران، خصوصاً زندانیان سیاسی دلاور که در اعتصاب غذا به سر می برند بود.

برگزاری جشنواره کمونیست های دانمارک پس از یک وقفه شش ساله و در شرایطی که دانمارک خود را برای انتخابات سراسری شهرداری آماده می کند، از اهمیت ویژه ای برخوردار بود و بازتاب وسیعی در رسانه های گروهی این کشور یافت.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

حل مشکل مسکن خواست مبرم مردم میهن ما

و قطعا به زبان کارمندان به آن ها وام هایی با بهره معین تعلق می گیرد و تازه رژیم با وقاحت آن را امتیاز ویژه نامگذاری می کند.

روزنامه کیهان به تاریخ ۲۹ اردیبهشت ماه سال جاری، گفتگوی اختصاصی با معاون سازمان ملی زمین و مسکن جمهوری اسلامی را منتشر ساخت. وی یاد آور شد: «... طی سال جاری از محل تبصره ۵۲ مبلغ ۳۳۰ میلیارد ریال به عنوان یارانه به سازندگان مسکن کوچک و کسانی که الگوهای مصرف مسکن را رعایت می کنند بصورت مستقیم پرداخت می شود. کلیه افراد اعم از انفرادی و انبوه ساز با رعایت الگوی کوچک سازی وام از طریق بانک های مختلف دریافت می کنند با تصویب لایحه ای، تعرفه ثبت اسناد رسمی برای تسهیلات بانکی مخصوص سازندگان مسکن کوچک نسبت به قبل کاهش یافت و از ۵۰۰ هزار تومان برای وام ۳/۵ میلیون تومانی به یک دهم ۵۰۰ هزار تومان تقلیل یافت...»

تسهیلات بانکی، تقلیل نرخ تعرفه ثبت اسناد و یارانه به سازندگان مسکن بطور عمده در اختیار سرمایه داران، شرکت های رنگارنگ بخش خصوصی و سوداگران زمین و دلالان خانه سازی و آپارتمان قرار می گیرد و در واقع رژیم یارانه قابل توجهی را در بخش مسکن به جیب آن ها واریز می کند و این در حالی است که همانگونه که اشاره شد بخش مسکن کارگری از حداقل امکانات نیز برخوردار نیست و با گرانی زمین و مصالح ساختمانی و دهها دشواری دیگر روبروست و از هیچ همیاری نیز از سوی دولت و ارگان های دیگر برخوردار نمی باشد.

معاون سازمان ملی زمین و مسکن در همین گفتگو به صراحت اعلام می کند که همه این تسهیلات و امکانات برای و در خدمت چه کسانی است. وی تاکید کرد: «با متشکل کردن پیمانکاران بساز و بفروش ها، شرکت ها و اشخاص حقیقی و حقوقی که سرمایه، مدیریت ساخت و نیروی فنی در اختیار دارند، زمین ارزان در اختیار آن ها گذاشته می شود تا با برخورداری از معافیت هایی به ساخت انبوه مسکن بپردازند...» به عبارت روشن امکانات زحمتکشان و سرمایه دولت در اختیار دلالان زمین، سرمایه داران و بساز و بفروش ها و زمین خواران قرار می گیرد تا آن ها با خیالی آسوده و در امنیت کامل به بهای غارت بی حساب مردم بی خانمان به ثروت های هنگفت برسند. رژیم «ولایت فقیه» در صنعت ساختمان خدمتگزار بخش دلالی و انگلی است. برای پی بردن به ژرفای این سیاست توجه به نتایج طرح آمارگیری از بنگاه های معاملات ملکی کشور که در تاریخ ۱۳ دی ماه ۱۳۷۵ در روزنامه کیهان انتشار یافته ضرورت دارد.» به گزارش روابط عمومی مرکز آمار ایران کل ستانده بنگاه های معاملات ملکی در سال ۱۳۷۳ معادل ۱۴۴/۶ میلیارد بوده است. از این مبلغ ۱۴۱/۵ میلیارد بابت «مشاوره» - «خرید و فروش ساختمان» - «زمین» و «تلفن» بوده است. کل مصارف واسطه بنگاه های معاملات ملکی ۱۸/۸ میلیارد ریال گزارش شده است. اجاره محل با سهم ۲۷/۶ درصد عمده ترین هزینه بنگاه های معاملات ملکی است. تعداد کل کارکنان معاملات ملکی در سال ۱۳۷۳، ۳۸ هزار و ۴۲۰ نفر و پرداختی به کارکنان ۹/۷ میلیارد ریال بوده...»

این شیوه یعنی رواج گسترده واسطه گری و بدترین نوع دلالی در امر ساختمان سازی و زمین ا پیامد این سیاست رسمی رژیم «ولایت فقیه»، همانا بحران ژرف بی مسکنی در کنار ساختمان سازی غیر اصولی، غیر علمی با کیفیت نازل و بسیار نامطلوب آن هم در کشوری زلزله خیز است. در همین رابطه برای آنکه ماهیت رژیم آشکار شود، سخنان رئیس مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن ایران که در روزنامه های عصر تهران به تاریخ ۳۱ اردیبهشت ماه امسال درج گردیده، بی نیاز از هر توضیحی است. وی خاطر نشان می کند: «حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد طراحی و ۷۰ تا ۸۰ درصد ساختمان های جدید و مرتفع در شهر تهران غیر اصولی ساخته شده است و در برابر زلزله مقاومت ندارند. تنها کمتر از ۲۰ درصد ساختمان های مرتفع و تازه ساز دارای ضوابط ساخت اصولی هستند!!! راه حل ضد ملی رژیم «ولایت فقیه» در مورد مسکن تنها و تنها به سود کلان سرمایه داران و بخش های دلال با ماهیت انگلی سرمایه دارای ایران است و مشکل مسکن مردم میهن ما را حل نخواهد کرد در این رابطه ضرورت برنامه ریزی اصولی و هدفمند بر پایه نیازهای کشور و با اولویت قرار دادن منافع کارگران، کارمندان، فرهنگیان، دهقانان و بطور کلی همه زحمتکشان فکری و یدی ایران، تهیه و تدوین طرح ملی ساختمان سازی بر پایه روش های علمی و مدرن و مقاوم در برابر زلزله های ویرانگر و در مجموع اتخاذ سیاست مشخص «مسکن مناسب، ارزان و مدرن برای مردم» از زمره اصول برنامه ای حزب ما در مبارزه برای طرد رژیم «ولایت فقیه» است.

مشکل مسکن بعنوان یک مساله جدی در جامعه کنونی ایران، هردم ابعاد گسترده تری می یابد. میلیون ها تن از مردم میهن ما از داشتن، مسکن مناسب و شایسته محروم اند و در عین حال با توجه به سطح دستمزدها نمی توانند از امکانات موجود استفاده کنند.

عملکرد رژیم «ولایت فقیه» در زمینه مسکن و خانه سازی، پیامدهای ناگوار و نگران کننده پدید آورده است، آخرین نتایج آمارگیری از قیمت زمین و مسکن در تهران که چندی پیش انتشار یافت، نشان دهنده ابعاد فاجعه بار این معضل در کشور ما است. بر پایه این گزارش آماری، رشد سالانه قیمت مسکن در تهران بیش از ۹۳ درصد بوده است، در مناطق محروم شهر تهران، قیمت پرداختی برای یک مترمربع ۴۰ هزار تومان قید شده است! مقایسه این رقم با سطح دستمزد حقوق بگیران به خوبی ژرفای این مساله و گسترش پدیده «بی خانمانی» را ثابت می کند و البته این پدیده مربوط به تهران یا حتی شهرهای بزرگ نیست، بلکه فاجعه آن چنان گسترش یافته است که تمامی شهرها و شهرستان ها را در بر می گیرد. تمامی گزارشات حاکی از رشد دایمی اجاره بها و افزایش سرسام آور قیمت زمین و مسکن در کلیه نقاط ایران است. به عنوان نمونه بانک مرکزی جمهوری اسلامی در آخرین برآورد خود در باره شاخص بهای خدمات و کالاها در فروردین ماه امسال، در ارتباط با شاخص بهای مسکن، سوخت و روشنائی افزایش ۲/۶ درصدی نسبت به مدت مشابه قبل را عنوان کرده است.

روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه سال جاری گزارش پنجمین کنفرانس عمران در تهران را منتشر کرد، معاون وزیر مسکن و شهر سازی در این کنفرانس در ارتباط با خانه سازی و تهیه مسکن در کشور گزارش مبسوطی ارائه کرد که برخی نکات آن جالب و افشاگرانه است و به خوبی نشان می دهد که هیچگونه برنامه مدون و اصولی و هیچ طرح ملی برای حل معضل مسکن و کمبود آن از سوی رژیم «ولایت فقیه» وجود ندارد و طراحی نشده است. معاون وزیر مسکن در کنفرانس مذکور از جمله متذکر شد: «... در سال ۱۳۷۵ توان مسکن سازی کشور در شهرها به ۲۳۰ هزار واحد مسکونی و در روستاها به ۸۰ هزار واحد مسکونی رسید...» و این آمار در حالی ارائه می شود که برای حل مساله مسکن و برطرف ساختن آن، توان مسکن سازی می باید رقمی بالاتر از ۲۳۰ هزار واحد باشد. بعنوان مثال، سران رژیم اعتراف می کنند، حتی در روستاها معضل مسکن بی داد می کند، ناطق نوری طی سخنانی در گردهمایی سالانه مسئولان بنیاد مسکن انقلاب اسلامی که در روز ۲۰ فروردین ماه امسال در محل اتاق بازرگانی برپا شد در این باره اعتراف کرد: «... مهاجرت از روستاها کاهش نیافته و سند دار کردن زمین ها و خانه ها و مساله مسکن روستائیان از ضرورت هاست، مجلس برای بهسازی روستاها بودجه ای حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیارد تومان اختصاص داده است...»!!!

همچنین معضل مسکن بویژه کارگران و زحمتکشان را در تنگنا قرار داده است. مدیر عامل اتحادیه اسکان در سومین سمینار توسعه مسکن در تاریخ ۲۳ مهرماه سال گذشته اعلام داشت «محدودیت و عدم توان مالی کارگران، کمی عرضه و گرانی زمین و مصالح ساختمانی از جمله عواملی هستند که عدم کارایی بخش مسکن کارگری را باعث شده است، علی رغم صراحت قانون اساسی هنوز اقدام اساسی در جهت تامین سربانه برای کارگران به عمل نیامده است و اقدامات انجام شده ناقص بوده است...» به این ترتیب به گفته مسئولین و دست اندر کاران، هنوز هیچ اقدام اساسی برای کارگران صورت نگرفته و رژیم حتی قدمی برای حل این مشکل بر نداشته است در مورد کارمندان و فرهنگیان نیز وضعیت مشابهی وجود دارد. مطبوعات مجاز اوایل خردادماه سال جاری گزارش دادند که میزان اعتبار وام مسکن فرهنگیان اعلام شد. پیش از آن اعلام کرده بودند که از محل تبصره ۵۰ با اعطای تسهیلات ویژه به کارکنان دولت، برای آن ها سپرده گذاری می شود. مجموع این سپرده ها، مطابق ضوابط بانک هر دوره ای که در بانک باشد از یک تا ۱۰ برابر به کارمندان وام تعلق می گیرد... این امتیازی است که دولت برای مسکن به کارمندان می دهد!!! این طرح و طرح هایی نظیر آن، بی اعتباری مطلق رژیم «ولایت فقیه» به منافع حقوق بگیران و مجموعه زحمتکشان را نشان می دهد. در درجه اول این طرح کارایی ندارد و در عرصه عملی پاسخگوی ضرورت ها نخواهد بود، در درجه دوم، از محل دسترنج کارمندان سپرده گذاری می شود، آن هم با شروطی تحمیلی، سپس بر اساس همین سپرده گذاری ها با شرایطی نامعلوم

غرفه «نامه مردم» در جشن «عصر ما»

در روزهای ۲۹ تا ۳۱ اوت امسال، پارک بزرگ شهر کارگری دورتموند واقع در آلمان، شاهد برگزاری جشن «عصر ما»، ارگان مرکزی حزب کمونیست آلمان بود که در واقع جشن همبستگی با حزب کمونیست آلمان و فعالیت مطبوعاتی این حزب است و هر دو سال یک بار در یکی از شهرهای بزرگ آلمان، با حضور غرفه های مطبوعاتی دهها حزب کمونیستی و کارگری از سراسر جهان برگزار می شود.

در این سال نیز چون سال های گذشته طی چند روز متوالی غرفه های نشریات احزاب برادر از پنج قاره برپا بود. و با فعالیت خود صحنه پر شکوهی از همبستگی و مبارزات کمونیست های سراسر جهان را به نمایش گذاشتند. حزب توده ایران نیز یکی از دعوت شدگان به این جشن بود. رفقای توده ای با برپایی غرفه «نامه مردم» ارگان مرکزی حزب، در خیابان «انترناسیونال» که در آن ده ها حزب برادر دیگر نیز چادرهای خود را برپا کرده بودند به فعالیت تبلیغی



و توضیحی راجع به مواضع حزب و اوضاع ایران در بین بازدید کنندگان پرداختند. اعلامیه حزب توده ایران به زبان آلمانی که در آن آخرین اخبار مربوط به اعتصاب غذای زندانیان سیاسی بازتاب داده شده بود، دیدار کنندگان را به همبستگی با مبارزه قهرمانانه زندانیان سیاسی ایران فرامی خواند و آنها را در جریان اوضاع سیاسی ایران قرار می داد.

موضوعی که در طول برگزاری جشن توجه رفقای توده ای را به خود جلب کرد، استقبال زیاد هم میهنان از غرفه «نامه مردم» و میز کتاب حزب بود. بسیاری از هم میهنان علاقمند بودند که از آخرین نظرات حزب نسبت به اوضاع سیاسی کشور و مشی مبارزاتی آن اطلاع پیدا کنند. تعدادی از آنها خواهان آشنایی با برنامه و اساسنامه حزب و آخرین نقطه نظرات منتشره آن بودند.

علاوه بر این نکته مهم دیگر، انسجام و تحرک بیشتر احزاب برادر در این جشن بود. این مهم خود را خصوصا در همبستگی و علاقه احزاب کمونیستی و کارگری مختلف به بحث و تبادل نظر با یکدیگر نشان می داد. هیأت نمایندگی حزب توده ایران در طول روزهای برگزاری جشن با نمایندگان احزاب مختلفی از جمله حزب کمونیست فدراتیو روسیه، حزب کمونیست آلمان، حزب کمونیست کلمبیا، حزب کمونیست شیلی، حزب کمونیست عراق و حزب کمونیست کردستان- ترکیه دیدار و گفت و گو کرد. یکی از نکات محوری این دیدارها، اشاره بر ضرورت همکاری و همگامی بیشتر احزاب برادر بود. در این دیدارها کاملا مشاهده می شد که احزاب کمونیستی و کارگری تجدید قوا کرده و دوران عقب نشینی های موقت خود را طی سال های گذشته پشت سر گذاشته اند، و می روند تا جایگاه واقعی را در مبارزات کشور خود بیابند و مواضع از دست رفته را بازپس گیرند.

بیانیه همبستگی احزاب کارگری و کمونیستی پنج قاره جهان



بر اساس گزارش رسانه های گروهي، اطلاع حاصل کردیم که در زندان های مختلف ایران، زندانیان سیاسی در بند دست به یک اعتصاب غذای نامحدود زده اند.

بنابر همین اخبار تاکنون ۷ تن از زندانیان اعتصابی جان خود را از دست داده

اند. علاوه بر این جان بسیاری از اعتصاب کنندگان در خطر جدی قرار دارد. آخرین اخبار رسیده حاکی است که رژیم جمهوری اسلامی ایران ۲۷ تن از این زندانیان سیاسی را که مدت هاست اعتصاب غذا کرده اند به مکان های نامعلومی انتقال داده است.

ما احزاب امضاء کننده زیر ضمن همبستگی عمیق با مبارزه قهرمانانه زندانیان سیاسی. تمام احزاب و سازمان های ترقی خواه و بشر دوست جهان را فرا می خوانیم که با اعتراض خود به مقامات مسؤول جمهوری اسلامی ایران در راه نجات جان زندانیان سیاسی ایران بپا خیزند.

احزاب امضاء کننده:

حزب توده ایران

حزب کارگری مجارستان

حزب کمونیست سودان

حزب کمونیست عراق

حزب کمونیست کلمبیا

حزب کمونیست سوئد

حزب کمونیست آلمان

حزب کمونیست بریتانیا

حزب کمونیست فرانسه

اتحادیه پرولتری کمونیست های لهستان

حزب کمونیست نوین هلند

حزب کمونیست هلند

حزب کمونیست ژاپن

حزب کمونیست کردستان - ترکیه

حزب کمونیست فدراتیو روسیه

حزب کمونیست پرتغال

حزب کمونیست دانمارک

حزب کمونیست چک

حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان (پلاتفرم کمونیستی)

حزب کمونیست شیلی

حزب سوسیالیستی متحد ترکیه

اتحادیه دفاع از اسیران و قربانیان جنایات فاشیسم در آلمان

حزب کمونیست ایتالیا (احیاء)

ادامه: استبداد مطلق «ولایت فقیه»....

تمام مردم به صحنه می آیند و مطالبات خودشان را مطرح می کنند، سردمداران آن جنبش در درون مطالبات مختلف غرق شوند و توان اجابت همه آنها را نداشته باشند. بعضی موانع دیگری که بر سر راه آقای خاتمی و دولت جدید قرار دارد، موانع ساختاری است... و انتظار هم نمی رود که در عرض یک یا دو دولت و یک یا دو برنامه پنج ساله برطرف شوند... در مورد آزادی های مدنی، مطبوعات، حق سازمان یابی و تشکل، آزادی بیان و آزادی نشر... همانطور که ما بدهی های خارجی زیادی داریم، بدهی های سیاسی داخلی زیادی هم داریم که می بایستی آنها را بپردازیم. این کار سختی است... سانترالیزه بودن قدرت در کشور ما مانع بزرگی در برابر شکل گیری و تقویت جامعه مدنی... و مشارکت سیاسی است...» (نگاه کنید به روزنامه سلام - سه شنبه ۴ شهریور ۱۳۷۶).

و اما منظور از «سانترالیزه» و یا تمرکز قدرت در ایران چیست؟ به گمان ما تمرکز قدرت سیاسی در ایران در دوران پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ و خصوصاً در دوران حیات خمینی شکل ویژه ای به خود گرفت که ما آن را رژیم «ولایت فقیه» نامیدیم. به عبارت دیگر قدرت تصمیم گیری های کلان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بیش از پیش از مراکز «تصمیم گیری قانونی» آنها یعنی قوای سه گانه کشور خارج و در دست یک نفر «ولی فقیه» متمرکز شد. از تصمیم گیری در مورد ادامه جنگ خانمان سوز و فاجعه بار ایران و عراق به مدت بیش از هشت سال تا سرکوب خونین و خشن آزادی ها و حقوق دموکراتیک تا تصمیم های اساسی پیرامون سیاست خارجی، اجرای اصلاحات ارضی و یا حتی حدود و ثغور ارگان های قانونی و منتخب مردم مانند مجلس شورا، «ولی فقیه» آزاد بود تا هر تصمیمی را اتخاذ کند بدون آنکه در مقابل مردم و یا ارگانی برای این تصمیم ها پاسخگو باشد. پدیده دیگر قابل توجه این است که با متمرکز شدن بیش از پیش قدرت در دست یک فرد که تبلور روشن استبداد مطلقه در مقابل دموکراسی و حکومت مردمی است، ساختارهای مشخصی برای حفظ این استبداد مطلق به موازات سایر ارگان ها و قوای سه گانه کشور ایجاد شد که به بفرنجی و درهم پیچیدگی این مجموعه کمک می کند. پیدایش پدیده ای به نام «نمایندگان ولی فقیه» در ارگان های مختلف اجرایی و تصمیم گیری، شورای نگهبان «نظام» که از سوی «ولی فقیه» انتصاب می شود، «مجلس خبرگان»، و «مجلس تشخیص مصلحت نظام» در کنار «امامان جمعه» شهرها و ارگان های گوناگون سرکوب، ارباب و ترور (رسمی و غیر رسمی) هر کدام مرکز تصمیم گیری نیرومندی در کشور هستند که در مجموع با هدف حفاظت از استبداد حاکم پدید آمده اند و در این راستا گام بر می دارند. خمینی «ولایت فقیه» را یگانه راه مطمئن تأمین دراز مدت سیادت و قیادت روحانیت حاکم می دانست و از همین رو از همان نخست اصرار داشت تا اصل «ولایت فقیه» به عنوان اصل اساسی و پایه قانون اساسی در آن گنجانده شود. وجود این اصل در قانون اساسی تمامی اصول دیگر را که می توانست برای تحقق خواست های مردمی به کارگرفته شود تحت الشعاع خود قرار می دهد و با حرکت «قانونی» به سمت مدنیت و تحقق آزادی و حاکمیت قانون در جامعه در تضادی آشفتگی ناپذیر قرار می گیرد. بیهوده نیست که روزنامه رسالت، یعنی ارگان ارتجاعی ترین و واپسگرا ترین جناح رژیم «ولایت فقیه» در سرمقاله خود ضمن هشدار به جناح رقیب و در پاسخ به بهزاد نبوی پیرامون جگونگی هماهنگ شدن سیاست های کشور می نویسد: «حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه و به تعبیر دیگر هماهنگ کردن آنان از وظایف اصلی و کلیدی رهبری است. بنابراین مقوله تعیین سیاست های کلی نظام، و مقوله هماهنگی نیز مربوط به رهبری است. مشکلی که گوینده سخن دارد چیزی نیست که قانون اساسی در مورد حل آن ساکت باشد. بنابراین اگر قانون به ویژه قانون اساسی را گردن نهم، هیچ هراسی نباید از مشکلات احتمالی... داشته باشیم مگر اینکه بخواهیم خارج از چارچوب های قانونی عمل کنیم...» (روزنامه رسالت سه شنبه ۱۱ شهریور ۱۳۷۶).

و روزنامه کیهان در شماره پنجشنبه ۱۳ شهریور ماه خود در پاسخ به

همین بحث نبوی نوشت: «... این روزها، برخی از خودی ها در نوشته ها و اظهار نظرهای خویش مطالبی را مطرح می کنند که با «خودی» بودن آنها در تناقض است و بیشتر به خواست غربیه ها شبیه است تا خودی ها... برادر عزیزمان جناب آقای بهزاد نبوی در مصاحبه ای طولانی با روزنامه سلام، از اینکه قوه قضائیه و قوه مقننه در اختیار رئیس جمهور نیست و فرماندهی نیروهای مسلح در اختیار رهبری انقلاب است، به طور تلویحی که نزدیک به تصریح است - ابراز نگرانی می کند و معتقد است که با این ساختار نمی توان از رئیس جمهور انتظار کار چندانی داشت! سؤال این است که مگر استقلال قوای سه گانه در قانون اساسی تصریح نشده است؟ و مگر رئیس جمهور محترم در چارچوب قانون اساسی انتخاب نشده اند؟ و مگر قانون اساسی میثاق مردم نیست؟ اگر چنین است که چنین است - بنابراین اظهار نظر این برادر عزیز با قانونمداری در تناقض است. مگر آنکه ایشان قانون اساسی را قانونی ندانند؟...»

و روزنامه جمهوری اسلامی که زیر نظارت خامنه ای انتشار می یابد نیز در حمله مشابهی به این چنین نظراتی در سرمقاله خود زیر عنوان «همراهان ناهمراه» می نویسد: «مطرح شدن اندیشه ها و آراء مختلف در مطبوعات که از ره آوردهای دوران بعد از جنگ است، این روزها اوج تازه ای گرفته است... متأسفانه بعضی از اهل سیاست و اندیشه... عنان قلم و زبان را احیاناً از کف می دهند و بدون رعایت چارچوب های قانونی، آرای را مطرح می کنند که با شعارهای خودشان و با وفاق و میثاق ملی ناسازگار است...» (روزنامه جمهوری اسلامی - پنجشنبه ۱۳ شهریور).

بحث اساسی حزب توده ایران نیز در سال های اخیر که در شعار «طرد رژیم ولایت فقیه» تبلور یافته است بر پایه چنین درکی استوار است که «ولایت فقیه» به مثابه پایه اساسی حاکمیت جمهوری اسلامی مهمترین سد راه هرگونه حرکت پایدار به سمت تحولات عمیق و دموکراتیک مورد نیاز و خواست توده های وسیع مردم است. تاکید ما در این جا بر پایدار بودن و دموکراتیک و مردمی بودن تحولات است. در تجربه ۱۸ ساله حکومت جمهوری اسلامی کم نیستند تحولات نیم بند و سطحی که زیر فشارهای مردمی آغاز گردیده اند و با رشد سطح توقعات و خواست های مردم و بالا گرفتن تضاد به سرکوب های خونین و بازگشت به استبداد مطلق با شکست کامل روبرو شده اند.

آخرین سنگر و دژ استوار ارتجاع و استبداد در مقابل خواست های مردمی که به روشنی در «نه» تاریخی به رژیم و رهبران آن تبلور یافت، «ولایت فقیه» است که قرار است با «اتکاء بر قانون» سد راه هرگونه تحوولی، هرچند کوچک، به سمت تحقق خواست های مردمی باشد. این بحث از سوی حزب ما تازگی ندارد، حزب توده ایران سال ها است که این بحث را با پیگیری، دقت و هوشیاری دنبال کرده است. آنچه امروز تازگی دارد «درک» این حقیقت از سوی کسانی است که تا دیروز سنگ همین «ولایت» را به سینه می زدند و هنوز هم بنا به «مصلحت نظام» از آن دفاع می کنند.

این اندیشه در جامعه ما روز بروز معتقدان بیشتری می یابد که «مصلحت نظام جمهوری اسلامی» در جهت خلاف منافع توده ها و مردم زجر دیده و در تضاد آشکار و آشتی ناپذیری با آن قرار دارد. مردمی که با اعتماد بی سابقه ای وظیفه تحقق خواست های خود، یعنی عدالت اجتماعی، آزادی و استقلال را، در انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به دست حاکمان امروزی ایران سپردند و این چنین به این اعتماد آنان خیانت شد.

حرکت پایدار به سمت تحقق آزادی، مدنیت و جامعه قانون در شرایط ادامه حاکمیت «ولایت فقیه» امکان ندارد و رفرم ساختاری قدرت سیاسی یکی از مهمترین پیش شرط های تحقق چنین خواست هایی است. به گمان ما تحقق این اهداف نه از یک فرد و یا یک گروه بر می آید بلکه محتاج دخالت وسیع و مستقیم توده ها در سرنوشت خویش است. باید به این فکر، هر چه نیرومندتر، دامن زد.

پیروزی دوم خرداد ۱۳۷۶ نخستین گام در مبارزه طولانی ای است که هدف نهایی آن طرد رژیم «ولایت فقیه» و حرکت به سمت استقرار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران می باشد. مبارزه ای که کمک به ادامه و گسترش آن وظیفه تمامی نیروهای مترقی و آزادی خواه است.

رویدادهای جهان



تحریم انتخابات

در پی شکست مذاکرات با دولت، احزاب چپ و ترقی خواه اردن اعلام نمودند انتخابات پارلمانی را تحریم خواهند کرد. نمایندگان حزب کمونیست اردن، حزب سوسیالیست بحث، حزب مترقی بحث، اتحاد دموکراتیک خلق و سرزمین عربی به نخست وزیر عبدالسلام مجالی اخطار کردند که احزاب آنها انتخابات را تحریم خواهند کرد مگر اینکه دولت تعهد کند که کاندیداهای اپوزیسیون نیز همسان کاندیداهای طرفدار دولت بتوانند از طریق مطبوعات و رسانه های گروهی نقطه نظرات خود را با مردم در میان بگذارند. پنج حزب چپ همچنین اصرار دارند که دولت پیمان صلحی را که در سال ۱۹۹۴ با اسرائیل امضاء کرده است، ملغی سازد. یک حزب دیگر اپوزیسیون، جبهه عمل اسلامی نیز با خواسته های مشابهی تهدید به تحریم انتخابات نموده است. نیروهای اپوزیسیون روی هم رفته ۲۳ کرسی از مجموع ۸۰ کرسی پارلمان اردن را تحت کنترل دارند. بزرگ ترین بلوک پارلمانی اپوزیسیون متعلق به جبهه عمل اسلامی است که ۱۶ کرسی را در اختیار دارد.

مبارزه برای شرایط بهتر

بیش از ۱۲ هزار کارگر آفریقای جنوبی در شهر ژوهانسبورگ به طرف مرکز بازرگانی و محل استقرار کمپانی های عمده راهپیمایی کردند و طی قطعنامه ای تجدید نظر سرمایه داران را در مواضع خود بر سر مواد کلیدی در قانون اشتغال خواستار شدند. تظاهر کنندگان که همگی اعضای کنگره اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی بودند، می خواهند که تقاضاهای آنان از جمله ۶ ماه مرخصی برای زایمان، تعیین ۱۶ سالگی به عنوان حداقل سن برای اشتغال و ۴۰ ساعت کار در هفته در عرض ۵ سال قدرت قانونی پیدا کند.

همزمان با این هزاران تن از اعضای کنگره و اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی در پرتوریا، پایتخت اداری آفریقای جنوبی دست به تظاهرات زده و طی یادداشتی شکایات خود را به وزارت کار ارایه نمودند. در نیمه دوم مرداد ماه تظاهرات متعدد دیگری در اکثر مناطق آفریقای جنوبی انجام پذیرفت. اتحادیه های کارگری تهدید کرده اند در صورتی که به خواست های اتحادیه های

کارگری ترتیب اثر داده نشود، به یک اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته دست خواهند زد.

بحران الجزایر و صلح!

عباس مدنی، رهبر جبهه نجات اسلامی الجزایر، در روز ۹ شهریور در نیامی خطاب به دبیر کل سازمان ملل خواستار توقف فوری کشت و کشتار در کشور به مثابه گام نخستین در راه گفتگو با دولت شد. مدنی در نامه مختصر خود به کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل، می نویسد: «در رابطه با درخواست شما خطاب به مردم الجزایر برای مذاکره و آشتی، من آماده ام که خواستار توقف فوری خونریزی بشوم». مدنی که پس از ۶ سال اخیرا از زندان آزاد شده و در الجزیره زندگی می کند گفت که درخواست او گام نخست برای گفتگوی جدی برای پیدا کردن پایانی بر این بحران است». رهبر بنیانگرایان اسلامی الجزایر گفت «خراب شدن اوضاع در الجزایر و کشتارهای جمعی ای که مردم را هدف قرار داده است محرک وی برای طرح این درخواست است. در هفته های اخیر موج کشتارها در الجزایر ابعاد جدیدی گرفت. در خونبارترین حادثه در طول ۶ سال مبارزه بین بنیانگرایان اسلامی و دولت مرکزی، نیروهای مخالف در ۶ شهریور ماه در عملیات سبعانه ای در دهکده سیدی رییس در ایالات بلیدا در جنوب الجزیره ۹۸ نفر را کشته و ۱۲۰ نفر را شدیداً زخمی کردند. گلولی اکثر قربانیان با کارد بریده شده بود. حال ۳۰ نفر از مجروحین وخیم گزارش شده است. دولت الجزایر عملیات وسیعی را برای دستگیری مسببان جنایت سازمان داد و قول داد که «دولت مبارزه خود را علیه جنایتکاران وحشی بدون هیچگونه ترحمی، تا از بین بردن آنها، ادامه خواهد داد».

عملیات خونبار نیروهای اسلامی در الجزایر موجی از نفرت و خشم افکار عمومی در سطح جهان را برانگیخت. کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل در روز ۸ شهریور ماه اعلام کرد که فقط محکوم کردن کافی نیست. «و ضروری است که از آن فراتر برویم، آهسته و خردمندانه... من امیدوارم که راهها و وسایلی را پیدا خواهیم کرد که دو طرف را تشویق به متوقف کردن خشونت خواهد کرد».

بحران مالی در فلسطین!

سلام فیاد، نماینده صندوق بین المللی پول در خاورمیانه ۹ شهریور ماه از اسرائیل خواست که انتقال کامل درآمد مالیاتی به مقامات فلسطینی را از سر بگیرد. فیاد گفت: «در حال حاضر اسرائیل بابت درآمدهای حاصل از ترخیص کالا از گمرک ۶۵ میلیون دلار بدهکار است». درآمدهای گمرکی بیش از ۶۰ درصد کل درآمد دولت خودمختار فلسطینی را تشکیل می دهد. دولت اسرائیل برای تلافی بمب گذاری تروریستی در تل آویو در روز ۳۰ ژوئیه، در همان روز مرزهای بین منطقه تحت کنترل دولت فلسطینی و اسرائیل را

بسته و از ورود دهها هزار کارگر فلسطینی برای کار جلوگیری کرده است. به علاوه دولت اسرائیل از تحویل درآمدهای گمرکی سهم دولت فلسطینی خودداری کرده است. نماینده صندوق بین المللی پول که کاملاً از عواقب اجتماعی ادامه وضعیت فعلی و بحران مالی که دولت یاسر عرفات با آن دست به گریبان است مطلع است، خطاب به مقامات اسرائیلی اظهار داشت «ما در انتظار از سرگیری کامل انتقال عواید گمرکی هستیم». مقامات رسمی فلسطین خاطر نشان کرده اند که یاسر عرفات دستور داده است هزینه ها را کاملاً کاهش دهند و همچنین برای پرداخت های ضروری از بانک های خصوصی وام گرفته شود. اخیراً دولت فلسطینی ۱۷ میلیون دلار از بانک مرکزی فلسطین پول وام گرفته است. یک مقام فلسطینی گفت که «بدهی مقامات فلسطینی به بانک ها اکنون به بیش از ۱۰۰ میلیون دلار رسیده است». در هفته اول شهریور ماه صندوق بین المللی پول در گزارشی تأیید کرد که خسارت وارده، به مقامات فلسطینی به دنبال بسته شدن مرز روزانه بین ۴ تا ۶ میلیون دلار می شود.

گفتگوهای وحدت ملی در فلسطین!

در پی گفتگو و مذاکره با حسنی مبارک، رییس جمهور مصر- یاسر عرفات در روز ۳ شهریور ماه از کشورهای عربی درخواست کرد که سریعاً نشست برگزار کنند.

عرفات گفت: «ما خواستار یک گردهمایی عاجل کشورهای عربی هستیم که با رخدادها و مقابله جویی هایی که جهان عرب با آن مواجه است، روبرو شود. این گردهمایی باید آینده بیت المقدس را مورد بحث قرار دهد». به طور همزمان با این اظهارات، مقامات فلسطینی دور دوم «مذاکرات وحدت» تمامی نیروهای فلسطینی را آغاز کردند. مقامات اسرائیلی به دلیل شرکت نیروهای رادیکال اسلامی در این مذاکرات عصبانی هستند، لیکن یاسر عرفات انتقاد دولت صهیونیستی را مردود شمرده و متذکر شد: «ما می دانیم چگونه با مساله وحدت در میان تمامی گروه ها و احزاب برخورد کنیم... این یک مساله داخلی است». وزیر ارتباطات فلسطین، عماد الفلوجی گفت که اجلاس روز ۳ شهریور ماه، یک جلسه تکنیکی بود که می بایست دستور کار گفتگوهای بعدی را تعیین بکند. «هدف جلسه موافقت بر سر یک مکانیزم برای ادامه گفتگوی ملی بین مقامات دولت خودمختار فلسطینی و جناح های مختلف فلسطینی در دوره آتی بود و ما کمیته هایی را به آن منظور ایجاد خواهیم کرد». عماد الفلوجی گفت: «هر جناحی دید خود را در مورد چگونگی ادامه مذاکرات مطرح خواهد ساخت. هدف ما رسیدن به یک موضع مشترک برای مقابله با مشکلات خواهد بود».

سندیکاها حمله متقابل خویش در سطح جهانی علیه

«جهانی شدن» را سازمان می دهند بر گردان از اومانیته

چه باید کرد و یا چگونه با خصوصی کردن های ماریچی جهانی باید مقابله نمود؟

تجربیات بسیار متفاوت

یک نماینده آرژانتین یادآور شد که خواست مردم آرژانتین داشتن برای خوردن و در عین حال لغو بدهی های خارجی است، در حالی که نمایندگان سندیکاهاى ایرلند و آلمان کاهش ساعت کار و برقراری یک دستمزد حداقل را اعلام می داشتند.

تصویب یک استراتژی، به ویژه سبب ایجاد شکاف های کوچکی شده بود. اگر جملاتی مانند «اتحاد بدون سکتاریسم»، یا «سوسیالیسم» ورد زبانه بود، باید گفت که اتحاد برای همه دارای همان پوشش و همان خصایص نبود. عده ای از نمایندگان دوباره سازی یک ساختار بین المللی را با تاکید و اصرار بر ایجاد یک سازمان اداری، برای مقابله با ستیزه جویی های «جهانی کردن» آرزو می کردند و توصیه نماینده فدراسیون انرژی ت.ژ.ت. این بود که باید از تقسیم بندی های سیاسی و ایدئولوژیک قدیمی که همچنان بر جنبش جهانی سندیکایی نشان خود را حفظ کرده است، در گذشت.

این حقیقت مشهود بود که بسیاری از سازمان های سندیکایی در هاوانا حضور داشته ولی بسیاری از آنها نیز حضور نداشتند بهمین خاطر و برای اینکه هیچ سازمانی در حاشیه نماند رهبر ت.ژ.ت. تاکید کرد «در مقابل جهانی کردن ما باید همکاری جنبش های سندیکایی واحد و یگانه را نیز جهانی کنیم». همچنین گفته شد که جنبش سندیکایی باید استقلال و مشروعیت ویژه خویش را بدست آورد. پس در این صورت آیا امکان پذیر هست که اشکال عمل انعطاف پذیر، بتواند جای خود را در این جنبش بیابد. پاسخ عضو کمیته اجرایی ت.ژ.ت. به این پرسش مثبت بود...

جهانی کردن لیبرالی به عبارت دیگر برنامه ای است که می خواهد قانون خشن و غیر انسانی بازار را بر زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تحمیل کند. تهاجم متقابل عبارت خواهد بود از زنده کردن یک انترناسیونالیسم مشخص، نه فقط در فرمول.

کنفرانس هاوانا گام مهم و در خور توجهی برای پیش راندن جنبش سندیکایی جهانی برای درک و کوشش پیرامون پاسخ گویی فوری به مساله «جهانی کردن» بود. کنفرانس آتی جنبش سندیکایی در سال ۱۹۹۹ در برزیل برگزار خواهد شد. هزاران نماینده، کارکنان را با طرح خواست لغو تحریمی که یک جانبه از سوی آمریکا به مدت ۳۷ سال علیه کوبا اعمال می شود، پایان دادند. روز ۸ اکتبر سالروز مرگ «چه گوارا»، نگهبان هاوانا و سندیکالیسم سراسر گیتی به نام روز جهانی نبرد با «جهانی کردن» تعیین شد. در هر حال مبارزه ادامه دارد.

همزمان با فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان، یک گردهمایی جهانی از سندیکاها و کارگران در مقابل «نئولیبرالیسم» و «جهانی شدن» در هاوانا برگزار شد. کارهای این گردهمایی که توسط «ت.ت.ت.» (مرکز کارگران کوبایی) سازمان دهی شده بود در پایان هفته اول اوت خاتمه یافت. ۱۳۰۰ نماینده از بیش از ۴۰۰ سازمان سندیکایی از ۶۰ کشور جهان در این گردهمایی حضور داشته و سازمان های بزرگی چون «CUT» از برزیل، «COSATO» از آفریقای جنوبی، «CITU» از هند و ت.ژ.ت. از فرانسه و همچنین تعداد زیادی از نمایندگان سندیکاهاى اروپایی (از ایتالیا، بلژیک، انگلستان، اسپانیا و غیره). از آفریقا و امریکای شمالی در این گردهمایی شرکت کردند.

فراتر از تنها انتقاد از افراط گری ها و بی رحمی های «جهانی کردن» در متن یک بحران ساختاری عمیق سرمایه داری، کوشش شد تا فوریت یک یورش متقابل سندیکایی و طرح و تصویب پایه های یک برنامه حداقل عمل در مقیاس جهانی تدقیق شود. سالوادور مارتینز مدیر «مرکز پژوهش اقتصادی جهانی» کوبا در سخنرانی افتتاحیه خویش گفت: «جهانی شدن و نئولیبرالیسم، اخراج کارگران و بیکاری، استثمار و نابسامانی های اجتماعی را جهانی کرده است در مقابل آن ما نیز باید مقاومت خویش را جهانی کنیم».

مهم ترین و سمبلیک ترین تصمیمات، تصویب یک پلتفرم با اکثریت بزرگ بود. تعدادی از نمایندگان فرانسه معتقد بودند زمان زیادی لازم است تا چنین پلتفرمی عمل کاملاً موثری داشته باشد. مع الوصف بیست و دو پیشنهاد ارایه شده توسط نمایندگان در سند نهایی گنجانده شد. از جمله این پیشنهادات: لزوم پی گیری مذاکرات جمعی و سازمان دهی یک گردهمایی جهانی در سطح عالی پیرامون مساله اشتغال زیر نظر سازمان ملل متحد پیش از پایان قرن با شرکت گسترده سازمان های سندیکایی سراسر گیتی، حفظ منظم ملاقات های منطقه ای، قاره ای و نشست های ملی؛ گسترش اطلاع گیری و اطلاع دهی بهتر؛ محکوم کردن به کارگیری غیر انسانی و خشن کودکان و مبارزه برای رعایت حقوق کامل زنان، دفاع از اصول استقلال، حق حاکمیت ملی و حق تصمیم گیری مستقلانه ملت ها می توان نام برد.

در جستجوی توافق حداقل هیچ چیز به خودی خود به دست نیامد. مباحثات واقعاً رو راست و باز بود. حقایق منطقه ای، ملی و قاره ای در کنار هم قرار گرفته به هر چیزی توجه شد. تجربیات سندیکاها بسیار متفاوت بود. چگونه باید ارتباط بین جنبش «بی زمین ها» ی برزیل و مبارزه معدن چیان شیلی علیه خصوصی کردن مس را، برقرار کرد. یا بین کارگران اتومبیل «DETROIT» و راه پیمایی سراسر قاره ای کارگران اروپا در آمستردام برای اشتغال و یا بین دیگر جنبش ها که از آفریقای جنوبی تا گینه بیسائو، و از سرزمین های اشغالی تا هند و جنوب شرقی آسیا گسترش می یابند و جهانی کردن را محکوم می کنند، می توان ارتباط برقرار کرد؟ همه اینها در حیطه آزمون و آگاهی خلق ها به تجربیات و اراده آنها می انجامد که زیر بار تحکم نروند. مباحثات درباره راه حل های پیشنهادی کمتر از این متنوع و پر حرارت نبود. مثلاً در مقابل خصوصی کردن بیمارستان ها

در راه کنگره

کمک های مالی رسیده

۱۰۰ مارک

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:514

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

9 September 1997

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۲۲۴ ۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

IRAN e. V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse

نام

شماره حساب

کد بانک

بانک